

Conceptualize of Mutual Acquaintance and its Influence on Enhancing of Citizenship Social Relation Quality; An Urbanistic Approach in the Context of Islamic Ideology

Ramin Khorsand¹  | Mehran Alalhesabi²  | Reza Kheyroddin³

Abstract

Citizens' social relationships are a manifestation of society's dynamism, and social sustainability depends on its health. The health of these relationships relies on realization of qualities that each community defines based on its cultural and belief foundations. Achieving this in an Islamic society, which is fundamentally based on social unity, holds even greater importance. However, due to various changes occurring in cities across different dimensions—physical, spatial, functional, and developmental—qualities in civic interactions receive less attention. Cities grapple with issues such as behavioral anomalies, rising crime rates, and increased social isolation. The problem is: How can we enhance the realization and reinforcement of social-behavioral qualities and values in urban spaces and among citizens? Research on the social dimension of cities reveals a concept called 'mutual acquaintance', which can be significant in addressing this problem. The present study aims to elucidate the position of this concept from the perspective of urban researchers and Islamic teachings. By analyzing the content of theoretical urban literature and referring to Islamic principles, it seeks to clarify the relationship between the realization of social qualities in civic relationships and this concept. The research findings indicate that the Quranic concept of 'Ta'aruf' (mutual acquaintance) plays a pivotal role in shaping civic interactions based on social qualities. This connection holds true both from an Islamic standpoint and according to urban scholars. The study underscores the importance of fostering mutual acquaintance and social qualities for healthier civic interactions. It highlights the direct correlation between the Quranic concept of "Ta'aruf" and the notion of mutual acquaintance, which resonates with both Islamic scholars and urban thinkers.

Keywords: Modern state, human subject, state of exception, political existence, Agamben

1. PhD student, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.
2. Corresponding author: Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran. alalhesabi@iust.ac.ir
3. Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Khorsand' R, Alalhesabi'M & Kheyroddin' R . Conceptualize of Mutual Acquaintance and its Influence on Enhancing of Citizenship Social Relation Quality;... . Interdisciplinary studies of Islamic revolution civilization. , 8(2), 129-154.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



8

Vol. 2
Winter 2023

Research Paper

Received:
28 May 2024

Revised:
24 August 2024

Accepted
01 September 2024

Published:
22 September 2024

P.P: 129-154

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685



13



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

صص: ۱۵۴-۱۲۹

شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰

الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱

تبیین مفهوم «تعارف» و تأثیر آن بر ارتقای کیفیت روابط اجتماعی شهروندی؛
نگاهی شهرسازانه در بستر تفکر اسلامیرامین خورسند^۱ | مهران علی‌الحسابی^۲ | رضا خیرالدین^۳

چکیده

روابط اجتماعی شهروندی مظهر پویایی جامعه هستند و پایداری اجتماعی به سلامت آن بستگی دارد. سلامت این روابط متکی به جاری‌بودن کیفیاتی است که هر جامعه بر اساس مبانی فرهنگی اعتقادی خویش ترسیم می‌کند. تحقق این امر در جامعه اسلامی که اساس آن بر شکل‌گیری وحدت اجتماعی است از اهمیت بیشتری برخوردار است. امروزه به دلایل تغییراتی که در شهرها در ابعاد مختلف کالبدی فضایی، عملکردی، شیوه‌های توسعه و... رخ داده، آن کیفیات در تعاملات شهروندی کمتر مورد توجه واقع می‌شوند و شهرها با مسائلی همچون بروز ناهنجاری‌های رفتاری، افزایش آمار جرائم، افزایش انزوای اجتماعی و... مواجه‌اند. مسئله آن است که چگونه می‌توان قابلیت تحقق و تقویت کیفیات و ارزش‌های اجتماعی رفتاری در فضاهای شهری و بین شهروندان را ارتقاء داد؟ تحلیل پژوهش‌های صورت گرفته درباره بُعد اجتماعی شهر مفهومی به نام «آشنایی متقابل» را هویدا می‌سازد که در پاسخ‌گویی به مسئله می‌تواند قابل توجه باشد. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با بررسی و تحلیل محتوای متون ادبیات نظری شهرسازی و با مراجعه به آموزه‌های اسلامی و با نگاهی تطبیقی جایگاه این مفهوم را از منظر پژوهشگران شهرسازی و نیز آموزه‌های اسلامی تبیین نماید و ارتباطی که بین تحقق کیفیات روابط اجتماعی شهروندی و این مفهوم وجود دارد را روشن کند. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که مفهوم قرآنی «تعارف» در تطبیق با مفهوم «آشنایی متقابل» به عنوان عامل محوری در شکل‌گیری تعاملات شهروندی بر مبنای کیفیات اجتماعی عمل می‌نماید و با آن رابطه مستقیم دارد، این مهم هم از منظر اسلامی و هم از منظر اندیشمندان شهرسازی قابلیت تأیید دارد.

کلیدواژه‌ها: تعارف؛ آشنایی متقابل؛ تعاملات شهروندی؛ کیفیات اجتماعی شهر؛ شهرسازی اسلامی.

۱. دانشجو مقطع دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

alalhesabi@iust.ac.ir

۳. دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

استناد: خورسند، رامین؛ علی‌الحسابی، مهران؛ خیرالدین، رضا. تبیین مفهوم «تعارف» و تأثیر آن بر ارتقای کیفیت روابط اجتماعی

شهروندی؛ نگاهی شهرسازانه در بستر تفکر اسلامی، (۲۸)، ۱۵۴-۱۲۹. DOR:

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

ارتباطات اجتماعی و تعاملات شهروندی شکل دهنده پویایی شهر هستند و حیات شهر وابسته به آن است. تعامل شهروندان با یکدیگر موجب رفع نیازها، بروز استعدادها و سبب حرکت کلی شهروندان به سوی اهداف تکاملی جامعه است (مظفری، ۱۳۸۱: ۱۱۳؛ شرف الدین، ۱۳۹۷: ۷۷). در این میان چگونگی شکل‌گیری ارتباط اجتماعی و نحوه مواجهه افراد در تعامل با یکدیگر، به نوبه خود حائز اهمیت است. افراد در جامعه نیازها، امیال، اهداف و اراده‌های گوناگونی دارند، همین امر سبب می‌شود گونه‌ها و سطوح مختلفی از ارتباط از تعامل تا تراحم و تعارض را شکل دهند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)، اما آن چیزی که در این بین از اهمیت ویژه برخوردار است حفظ و ارتقاء پایداری و انسجام اجتماعی و اجتناب از اختلاف و تفرقه است. برای این منظور در هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ و باورهای بینشی و اعتقادی مجموعه‌ای از کیفیات و ارزش‌های رفتاری تعریف می‌شود که مبنای تعامل شهروندان با یکدیگر باشد و الگوی ارتباطی پایداری بین ایشان برقرار نماید (شرف‌الدین، ۱۳۹۷: ۷۷-۷۹). توجه به این مورد در جامعه اسلامی از اهمیتی ویژه برخوردار است، چرا که اسلام اساساً دینی اجتماعی است و بر تشکیل یک کل یکپارچه به نام امت و حرکت استکمالی جامعه به سوی اهداف متعالی تأکید ویژه دارد (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۲۵ و ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۵). و همین امر نیز سبب شده مجموعه مفصلی از ارزش‌های رفتاری را برای تعامل افراد در سطوح مختلف اجتماعی وضع نماید (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۲۸۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۷: ۸۳؛ شرف الدین، ۱۳۹۷: ۷۸؛ خیری، ۱۳۹۳: ۸۳).

امروزه به دلایل متعددی از جمله رشد جمعیت شهرها، کنارهم نشینی افراد با فرهنگ‌های مختلف، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های گسترده مردم، تخصصی‌تر شدن کارها و پیشرفت‌های فنی، افزایش سطح انتظارات و خواسته‌های افراد و مواردی از این دست، تعاملات شهروندی شکل پیچیده‌تری به خود گرفته و البته به موازات این امر تداخل بیشتر نیازها و امیال بروز تراحمات و تعارضات را افزون نموده و در شهرها آن کیفیات و ارزش‌هایی که برای روابط و تعاملات شهروندی ترسیم شده کمتر مورد توجه و عمل واقع می‌شوند. کاهش همبستگی‌های اجتماعی و اخلاقی، بروز ناهنجاری‌های رفتاری، افزایش آمار جرائم شهری، کاهش احساس مسئولیت

اجتماعی، افزایش انزوای اجتماعی و غیره نمونه‌هایی از مشکلاتی است که امروزه شهرها با آن‌ها دست به گریبان هستند.

با توجه به این توصیف و ضرورت، مسئله آن است که چگونه می‌توان قابلیت تحقق و تقویت کیفیات و ارزش‌های اجتماعی رفتاری در فضاهاى شهری و بین شهروندان را ارتقاء داد؟ آیا عامل محوری و مشترکی را می‌توان چه در آموزه‌های اسلامی و چه در نتایج پژوهش‌های پژوهشگران حوزه شهرسازی شناسایی نمود که شکل‌گیری تعاملات بر مبنای کیفیات و ارزش‌های اجتماعی را تسهیل نماید؟ مطالعه در برخی آموزه‌های اسلامی و نیز نتایج پژوهش‌های شهرسازی که به خصوص در ارتباط با بعد اجتماعی شهر صورت گرفته مفهومی به نام «تعارف» یا «آشنایی متقابل» را معرفی می‌کنند که در پاسخ‌گویی به این مسئله می‌تواند قابل توجه باشد. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا جایگاه این مفهوم را از منظر پژوهشگران حوزه شهرسازی و نیز آموزه‌های اسلامی تبیین نماید و ارتباطی که بین تحقق کیفیات و ارزش‌های اجتماعی و رفتاری در تعاملات شهروندی و این مفهوم وجود دارد را روشن کند.

سؤالات پژوهش

- مفهوم و معنای «تعارف» در تعاملات اجتماعی چیست؟
- تعارف چه نقشی در تحقق کیفیات بعد اجتماعی و تعاملات شهروندی از منظر پژوهشگران شهرسازی دارد؟
- از منظر آموزه‌های اسلامی تعارف چگونه بر تحقق ارزش‌های رفتاری تأثیر می‌گذارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر رویکردی کیفی را دنبال می‌کند. در مسیر پاسخ به سؤالات پژوهش ابتدا با مراجعه به اسناد و منابع کتابخانه‌ای مفهوم و معنای «تعارف» در تعاملات اجتماعی استخراج می‌گردد. آنگاه با بررسی و تحلیل محتوای متون ادبیات نظری شهرسازی و نظرات پژوهشگران این حوزه تأثیر «آشنایی متقابل» بر کیفیات بعد اجتماعی و تعاملات شهروندی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سپس با مراجعه به آموزه‌های اسلامی درباره ارزش‌های رفتاری و با نگاهی استنباطی

رابطه بين تعارف و بروز ارزش‌هاي رفتاري اسلامي بررسي مي‌شود. در آخر با فراتحليل مطالعات صورت گرفته تبيني از اصالت تأثير تعارف و جايگاه آن در تحقق كيفيات روابط اجتماعي شهروندی ارائه مي‌گردد.

تعريف تعارف

«تعارف» مصدر باب تفاعل و از ماده «عرف» است. باب تفاعل در جهت رساندن معنای «مشارکت» به کار رفته آن هم مشارکتی که مشارکان، یعنی دو طرف شرکت کننده، هر دو فاعل هستند (غمامي و اسلامي تنها، ۱۳۹۸: ۱۵۸). راغب در مفردات در مدخل «عرف» مي‌نويسد: شناخت يک چيز از روي تفکر و تدبر در اثر يا آثار آن شئی، معرفت است و اخص از علم است، مخالف آن کلمه انکار است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۶۰). در فرهنگ فارسي عميد و لغت‌نامه دهخدا تعارف به معنای «يکديگر را شناختن»، «اظهار آشنائي کردن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲)، (عميد، ۱۳۶۴).

در ادبيات انگليسي مي‌توان تركيب کلمه «Mutual Acquaintance» يا «Mutual familiarity» به معنای «آشنائي متقابل» را معادل واژه «تعارف» يافت. در فرهنگ‌نامه ميريام وبستر،¹ «Mutual» به معنای امر متقابل و دو جانبه و «Acquaintance²» به معنای آشنائي افراد به صورت کلی و اجمالی است و مخالف آن «غريبه» يا ناآشنا است (The Merriam-Webster dictionary, 1999). «familiarity³» نيز به معنای آشنائي نزديک با چيزی است. آشنائي را مي‌توان در مقابل «گمنامي: Anonymity يا ناشناسی: Ignorance» نيز تعريف نمود.

با تکیه بر درک واژه شناختی کلمه «تعارف» مي‌توان اين واژه را اين گونه تعريف کرد: تعارف يا هم‌شناسی، عمل مشترکی است که دو فرد يا دو گروه مختلف (يا بيشتري) انجام مي‌دهند تا همدیگر را بشناسند. اين امر با شناساندن خود و شناخت ديگري محقق مي‌شود به گونه‌ای که هر کدام معرفت به ديگري يافته و هريک نزد ديگري معروف، متمایز و آشکار باشند. نتيجه اين شناخت آرامش و سکونت است. تعارف يا هم‌شناسی عبارت است از تعامل شايسته «خود» با

1. Directed by each toward the other or the others.

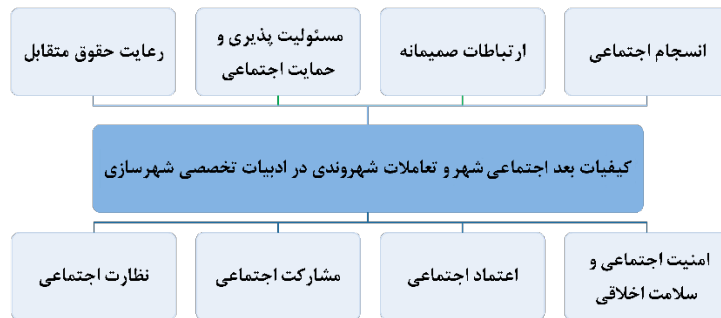
2. The state of being acquainted; Knowledge gained by personal experience; Those who are known only slightly. Synonyms: familiarity, cognizance. Antonyms: stranger.

3. The quality or state of being familiar; Close acquaintance with something; A state of close relationship.

«دیگری» که با تبادل «تعریف»، «تعرف»، «اعتراف»، «معرفت»، و «معروف» در «اعراف و عرفات» برای تحقق «ائتلاف طیب» انجام می‌شود و در نقطه مقابل تناکر یا هم‌ستیزی عبارت است از تعامل ناشایسته «خود» با «دیگری» که با تبادل «نکره»، «انکار»، «نکران» و «منکر» انجام می‌شود و منجر به تفرقه و اختلاف خبیث می‌شود (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۸: ۱۶۰).

نقش «آشنایی متقابل» در تحقق کیفیات بعد اجتماعی شهر و تعاملات شهروندی از منظر پژوهشگران شهرسازی و جامعه‌شناسی

به اعتقاد محققان مختلف حوزه جامعه‌شناسی و شهرسازی، از جمله بنیادی‌ترین نیازهای اجتماعی انسان، نیاز به برقراری روابط و تماس‌های اجتماعی است که سال‌های متمادی محققان را بر آن داشته تا از ابعاد و زوایای علوم گوناگون، نحوه شکل‌گیری، تداوم، ابعاد، ویژگی‌ها و گسست‌های احتمالی آن را به کنکاش بگذارند (کلانتری و حسینی‌زاده آرانی، ۱۳۹۴: ۸۸). زندگی اجتماعی حاصل ارتباطات انسانی است و اصولاً اجتماع چیزی بیش از علقه‌ها و تعهدات مشترک نسبتاً پایدار میان افراد با پشتوانه تعاملاتی گرم نیست (جلبی، ۱۳۷۵: ۶۷). روابط اجتماعی در قالب تماس‌های اجتماعی، عنصر سازنده همبستگی و پایداری اجتماعی در میان مردم تلقی می‌گردد (Hortulanus et al, 2006). بنابراین چگونگی سازمان و ادغام این ارتباطات و عمل در جهت حفظ سلامت و جلوگیری از مخدوش شدن آن اهمیتی ویژه می‌یابد که برای این امر و در جهت ارزیابی آن، مجموعه‌ای از کیفیات به عنوان شاخص‌های سلامت ارتباط اجتماعی و تعاملات شهروندی در پژوهش‌های محققین این حوزه قابل شناسایی است. مهم‌ترین و پرتکرارترین این کیفیات را می‌توان در قالب نمودار شماره ۱ خلاصه نمود.



نمودار شماره ۱: مهم ترین کیفیات بعد اجتماعی شهر و تعاملات شهروندی در ادبیات تخصصی شهرسازی

(Carmona et al, 2003); (Giddens, 2006); (Harvey, 1993); (Toennies, 1940);

(Goffman, 1969 & 1971); (Jacobs, 1961); (Newman, 1973); (مدنی پور، ۱۳۸۷)؛

(زبردست، ۱۳۸۳)؛ (کلانتري و حسینی زاده آراتی، ۱۳۹۴)؛ (موسوی، ۱۳۸۱)؛ (پاتنام، ۱۳۸۰)

عوامل مختلفی در جهت تحقق و ارتقاء این کیفیات برشمرده می شود، اما بررسی نظریات و پژوهش های متخصصان و اندیشمندان شهرسازی و جامعه شناسی نشانه هایی از اهمیت «آشنایی متقابل» افراد و شهروندان با یکدیگر و تأثیر آن بر کیفیت تعاملات شهروندی و رفتارهای اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل مهم هویدا می سازد. در این پژوهش ها پیامدهای منفی غریبه بودن افراد نسبت به یکدیگر در شهر و عدم آشنایی ایشان با یکدیگر نیز مورد توجه واقع شده است.

افلاطون از فلاسفه بزرگ یونان درباره نقش تعارف در زندگی شهری می گوید: بزرگترین نعمتی که برای هر شهر می توان تصور کرد این است که همه ساکنان آن یکدیگر را بشناسند؛ آن جا که مردمان با یکدیگر بیگانه اند هیچ کس نمی تواند حرمت و مقامی را که درخور اوست به دست آورد و هیچ کس به حق خود نمی رسد (افلاطون، ۱۳۶۷، ج ۴: ۲۱۷۴). ارسطو دیگر فیلسوف یونانی هم بر این امر تأکید می کند که: برای این که وظایف اجتماعی به درستی انجام گیرد، اداره امور به خوبی صورت پذیرد و مناصب از روی لیاقت تقسیم شود، شهروندان باید صفات و خوی یکدیگر را بشناسند (ارسطو، ۱۳۹۸: ۳۸۶).

هاروی در کتاب خود با عنوان «عدالت اجتماعی و شهر» تأکید می کند در شهرهایی که افراد یکدیگر را می شناسند، روابط از نوع نخستین است یعنی افراد با هم تماس مستقیم، صمیمانه و رودررو دارند، پیوندهای عاطفی نیرومند با یکدیگر دارند و میان اعضا پیوندهای محبت پایدار، با دوام و مستحکم برقرار است و فایده غلبه ماهیت

نخستین بر روابط اجتماعی این است که این امر فراهم آورنده خدماتی چون کمک‌های مالی، امکان کاریابی، همسریابی، حمایت‌های عاطفی و ...، توسط افراد گروه برای یکدیگر است. در این گونه جوامع انسجام اجتماعی بیشتر است و دستیابی به اهداف جمعی با سهولت بیشتری امکان پذیر می‌گردد (Harvey, 1993)، (زبردست ۱۳۸۳: ۱۱۸).

فردیناند تونیس^۱ در کتاب خود با عنوان «گماینشافت و گزانشافت»^۲ (اجتماع و جامعه)، به بررسی و تحلیل جامعه پیش و پس از انقلاب صنعتی می‌پردازد. گماینشافت را نوعی اجتماع سنتی می‌داند که قبل از انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی وجود داشته است. اجتماعی که در آن اشخاص به واسطه ارزش‌های مشترک و سنت‌های مقدس به هم پیوند می‌خورند و هویت جمعی و خویشاوندی اعضای انسجام اجتماعی را سبب می‌شد. با وقوع انقلاب صنعتی و رشد اجتماعات شهری، شهر از گماینشافت به گزانشافت تبدیل شد. در گزانشافت، ارزش‌ها و سنت‌ها ناهمگونند. تفاوت‌های فردی موجب کاهش انسجام اجتماعی می‌شود و فردگرایی به عنوان ارزش والای اجتماعی به قیمت تنزل و از بین رفتن انسجام اجتماعی رخ می‌نماید. در شهرها و جوامع رشد کرده پس از انقلاب صنعتی روابط اجتماعی به خودی خود دارای ارزشی نیست و فقط پول موجب پیوند اعضای با یکدیگر است. روابط متقابل اجتماعی از نوعی پایداری ذاتی برخوردار نیست و ساختار سست آن تنها به واسطه منافع شخصی افراد به وجود آمده و به جای مانده است (Toennies, 1940).

به عقیده رابرت پارک^۳ در کتاب «شهر: پیشنهاداتی برای بررسی رفتار انسانی در محیط شهری»^۴ در شهرهای بزرگ و مدرن امروزی نوعی گمنامی حاکم است و جریان جدایی، فاصله‌های اخلاقی را برقرار می‌کند که شهر را بدل به موزائیکی از جهان‌های کوچک می‌نماید که لمس می‌شوند اما با هم یکی نمی‌گردند، و از این منظر بنیان همبستگی اجتماعی دستخوش تغییر و خدشه می‌شود (Park, 1925: 1-40).

1. Ferdinand Toennies

2. Gemeinschaft and Gesellschaft

3. Robert Park

4. The city: Suggestions for The Investigation of Human Behavior in the Urban Environment

لوئی ویرت^۱ در مقاله خود با عنوان «شهرگرایی به عنوان شیوه‌ای از زندگی»^۲ ضمن ارائه تعریفی از شهر به نکات و ویژگی‌هایی از ساکنان شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و متراکم اشاره می‌کند، از جمله این که جمعیت زیاد و تراکم شهر معمولاً تفاوت‌های فردی را افزایش می‌دهد و موجب جداسازی گروه‌های اجتماعی براساس ویژگی‌های عمومی ایشان مثل رنگ، قومیت و منزلت اجتماعی اقتصادی می‌گردد و روابط انسانی غیرعاطفی می‌شود. در چنین شهرهایی با وجود معاشین زیادتر و تواتر بیشتر تعامل با دیگران، نسبت افراد آشنا در این میان بسیار کمتر است. به بیان دیگر، اگرچه قرابت فیزیکی کمتر است اما فاصله اجتماعی بین اشخاص بیشتر است. در چنین محیطی تماس‌های شهروندان با یکدیگر سطحی، زودگذر، جزئی و غیرعاطفی است. زندگی در چنین فضایی انسان را پیچیده و عقل‌گرا می‌کند و انسان هر لحظه با محرک‌های متنوع و تعارضات اجتماعی متعدد مواجه می‌شود. ابزار رسمی کنترل اجتماعی جایگزین ابزار غیررسمی آن می‌شود. به عقیده ویرت، فشار، بیگانگی، فردگرایی و انزواطلبی، و مخصوصاً نابسامانی اجتماعی ویژگی‌های چنین شهرهایی هستند (Writh, 1938).

جکسون^۳ نیز در پژوهشی بر وجود رابطه بین ناشناس بودن افراد و میزان کنترل و نظارت اجتماعی تأکید می‌کند. به اعتقاد او در شهرهای کوچکتر آشنایی افراد نسبت به یکدیگر و نظارت اجتماعی بیشتر است و در نتیجه وقوع و ترس از جرم کمتر است، در حالی که در شهرهای بزرگ به دلیل ناشناس بودن و سطح پایین‌تر کنترل اجتماعی غیررسمی، هم ترس از جرم و هم درجه تهدید توسط گروه‌های اقلیت افزایش می‌یابد (Jackson, 1986: 200).

اروینگ گافمن^۴ در کتاب‌های خود با عناوین «نمود خود در زندگی روزمره»^۵ و «روابط در عرصه‌ی عمومی: مطالعاتی خرد در نظم عمومی»^۶ مفهوم بی‌توجهی مدنی را مورد تأکید قرار می‌دهد. از نظر او بی‌توجهی مدنی در اجتماعاتی پدید می‌آید که جمعیت‌های پرشمار، پرجنبش و شتابان داشته باشد و معمولاً افراد یکدیگر را نمی‌شناسند و نسبت به هم غریبه‌اند، جامعه‌ای که در آن تماس‌ها

1. Louis Wirth
2. Urbanism as a Way of Life
3. Jackson
4. Erving Goffman
5. The Presentation of Self in Everyday Life
6. Relations in Public: Microstudies of the Public Order

زودگذر و غیرشخصی باشد. مثلاً هنگامی که رهگذران سریعاً نگاهی به یکدیگر می‌اندازند و آن‌گاه وقتی که خیلی نزدیک می‌شوند، دوباره به سویی دیگر می‌نگرند (Goffman, 1969 & 1971). گنورگ زیمل^۱ جامعه‌شناس آلمانی در مقاله‌ای با عنوان «کلان شهر و حیات ذهنی^۲» بر این نکته تأکید می‌کند که در جوامع بزرگ امروزی اگر چه انسان در طول روز با افراد زیادی سر و کار دارد اما تنها و دور افتاده است، چرا که آشنایان کمی دارد و عمده این تعاملات مبتنی بر روابط حسابگرانه و عقلانی است نه روابط صمیمانه و گرم. این ناآشنایی در کنار محرک‌های متنوع، مختلف، لحظه‌ای، غیر قابل پیش‌بینی و خشن سبب اتخاذ رویکردی دفاعی در فرد برای فرار از استرس‌ها و کسب آرامش می‌گردد. زیمل نام این رویکرد دفاعی را دلزدگی می‌گذارد. در این حالت فرد نسبت به جهان اطراف بی‌تفاوت و سرد می‌گردد و فاصله‌گرفتن اجتماعی و جدایی یکی از تبعات این امر است (Simmel, 1969).

در نگاه پاتنام هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می‌آورند، یکدیگر را می‌شناسند و لذا انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند. اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد شد (پاتنام، ۱۳۸۰) (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

زتومکا^۳ در پژوهش خود با عنوان «اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی»، در بیان شروط و زمینه‌های ساختاری شکل‌گیری اعتماد اجتماعی، یکی از شروط مهم را آشنایی^۴ یا ضد آن غرابت^۵ معرفی می‌کند. به عقیده او آشنایی در شخص احساس امنیت، قطعیت، پیش‌بینی‌پذیری و آرامش ایجاد کرده و فضایی برای ایجاد اعتماد، فراهم می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

به نظر گیدنز نیز اعتماد اجتماعی برپایه آن است که افراد یکدیگر را خوب می‌شناسند و بر مبنای آن آشنایی طولانی برقرار می‌شود. در فرهنگ‌های پشامدرن و در شهرها و جوامع کوچک، اعتماد چهره به چهره بوده و مبتنی بر «هم‌حضور» بوده است؛ در حالی که در دوره مدرن و در شهرها و جوامع بزرگ اعتماد به اشخاص متکی بر پیوندهای شخصی و چهره به چهره هم

1. Georg Simmel
2. The Metropolis and Mental Life
3. Sztompka
4. Familiarity
5. Strangeness

حضور در چهارچوب اجتماع محلی و شبکه‌های خانوادگی نیست، بلکه اعتماد تبدیل به طرحی دو طرفه شده که طرفین رابطه باید بر روی آن کار کرده و برای آن وقت بگذارند تا بتوانند اعتماد را جلب کنند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۹۹) (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۶۸).

علی مدنی پور در کتاب «طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی مکانی» در ارتباط با ویژگی زندگی در شهرهای مدرن و پرجمعیت می‌گوید: در شهر مدرن و امروزی هر کس یک فرد است و به صورت بالقوه یک غریبه. در این سطح، کثرت به هنجار تبدیل می‌شود و تحمل «دیگری» راه‌گشای روابط اجتماعی. ناآشنایی شهر به موازات خود جنایت را افزایش می‌دهد، که این خود واکنش‌های روانشناختی رفتاری همچون عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکان‌های خاص، اخذ تدابیر حفاظتی و ... را در شهروندان بر می‌انگیزد. او بر این نکته تأکید می‌کند که تنوع و تفاوت موجود در شهرها و جوامع امروزی سبب ناشناسی افراد از یکدیگر می‌گردد، به شکلی که انسان‌هایی که از روی اتفاق، در یک زمان، در یک مکان عمومی واحد قرار دارند، در فروشگاه‌ها، رستوران‌ها و خیابان‌ها، نسبت به هم غریبه‌اند. این ناشناسی می‌تواند باعث افزایش خشونت گردد، این می‌تواند منجر به افزایش آسیب‌های انسانی باشد و نیز افزایش خطر برای کسانی که به لحاظ فیزیکی آسیب‌پذیری بیشتری دارند، نظیر زنان (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۲).

بواندیا^۱، گیلبرت^۲ و گاگلر^۳ در ارتباط با تأثیر ناشناس بودن افراد بر افزایش بزه کاری و کاهش امنیت اجتماعی می‌گویند جرائم معمول، اغلب جرائم افراد غریبه نسبت به یکدیگر هستند. یکی از دلایلی که در شهرهای بزرگ وقوع جرم بیشتر هست، همین ناشناس بودن اشخاص است. آشنایی نزدیک افراد به یکدیگر، محیطی را فراهم می‌آورد که در آن بزه‌کاران کمتر جرأت و جسارت اعمال بزه‌کارانه خواهند داشت (Buendia, 1989)، (Gilbert & Gugler, 1982)، (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۴۲ و ۱۴۶). همچنین گیدنز^۴ در ارتباط با رواج و گسترش فساد جنسی ناشناس بودن افراد جامعه و عدم آشنایی آن‌ها با یکدیگر را عاملی در جهت افزایش فساد جنسی می‌داند و بر این نکته اشاره می‌کند، آن‌جا که افراد جامعه نسبت به هم آشنایی دارند با افزایش کنترل اجتماعی، فساد

1. Buendia
2. Gilbert
3. Gugler
4. Giddens

جنسی کمتر رخ می‌دهد (Giddens, 2006: 279). اسکار نیومن در کتاب خود با عنوان «فضای قابل دفاع: مردم و طراحی شهری در شهر ناآرام»^۲ مطالعه‌ای در مورد محل‌های ارتکاب جنایت در مجموعه‌های مسکونی نیویورک انجام داده‌است. نیومن سه اصل را در رابطه با افزایش جنایت در بلوک‌های مسکونی برمی‌شمرد که اولین آن عدم هم‌شناسی و غریبه بودن همسایگان با یکدیگر است (Newman, 1973).

جین جیکوبز^۳ در کتاب خود یعنی «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»^۴ غریبه بودن افراد نسبت به یکدیگر را در خیابان‌ها و محله‌های مسکونی و نواحی مختلف شهر از عوامل مهم افزایش جرم و جنایت، کاهش امنیت و یا ترس از ناامنی می‌داند. او یکی از ویژگی‌های شهرهای بزرگ را این می‌داند که پر از غریبه‌هاست، نه تنها بیگانه‌هایی از محله‌های دیگر، بلکه همسایه‌هایی که حتی همدیگر را نمی‌شناسند. به باور او این مسئله به خاطر تراکم بالای مسکونی در این مناطق است (جیکوبز، ۱۳۹۸: ۲۹-۳۲) همچنین از دیدگاه او با افزایش ارتباط چهره به چهره شهروندان به واسطه حضور در فضاهای شهری و افزایش امکان آشنایی آن‌ها با یکدیگر، سطح اعتماد اجتماعی نیز ارتقاء می‌یابد (جیکوبز، ۱۳۹۸: ۵۹-۵۸).

جدول شماره ۱: نقش آشنایی متقابل بر کیفیت روابط اجتماعی و تعاملات شهروندی در نگاه اندیشمندان

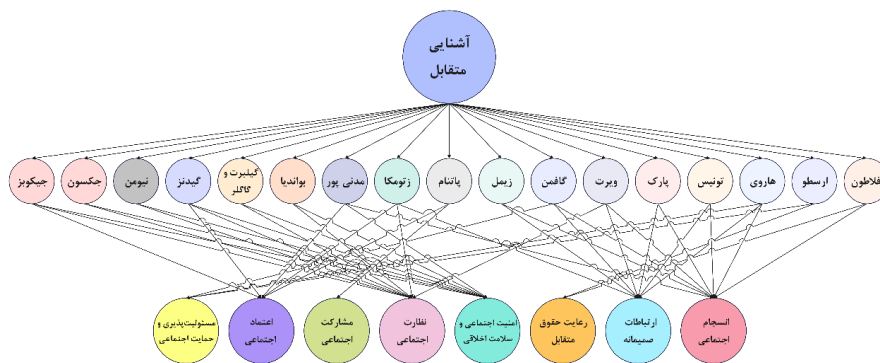
اندیشمندان	تأثیر تعارف بر کیفیت روابط اجتماعی و تعاملات شهروندی
افلاطون	بزرگترین نعمت شهر، حفظ حرمت‌ها، رعایت حقوق، انسجام اجتماعی (افلاطون، ۱۳۶۷، ج ۴: ۲۱۷)
ارسطو	انجام درست وظایف اجتماعی، اداره خوب امور (ارسطو، ۱۳۹۸: ۳۸۶)
هاروی	ارتباطات صمیمانه، پیوندهای عاطفی نیرومند و پایدار، فراهم آوردن خدماتی چون کمک‌های مالی، امکان کاربایی، همسریابی، حمایت‌های عاطفی، انسجام اجتماعی بیشتر، و سهولت در دستیابی به اهداف جمعی (Harvey, 1993)، (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۱۸)
تونیس	هم‌گون شدن ارزش‌ها و سنت‌ها، افزایش انسجام اجتماعی، ارتقاء جمع‌گرایی (Toennies, 1940)
پارک	ارتقاء همبستگی اجتماعی، روابط اجتماعی عاطفی‌تر (Park, 1925)
ویرت	کاهش تفاوت‌های فردی، همبستگی گروه‌های اجتماعی، روابط انسانی عاطفی‌تر، کاهش فاصله اجتماعی، نظارت اجتماعی قوی‌تر (Writh, 1938)

- Oscar Newman
- Defensible Space: people and design in the violent city
- Jane Jacobs
- The death and life of great American cities.

اندیشمندان	تأثیر تعارف بر کیفیت روابط اجتماعی و تعاملات شهروندی
گافمن	کاهش بی‌توجهی مدنی، ارتباطات عمیق‌تر و پایدارتر (Goffman, 1969 & 1971)
زیمل	افزایش روابط صمیمانه و گرم، انسجام اجتماعی بیشتر، اجتماع‌گرایی بیشتر (Simmel, 1969)
پاتنام	افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش همکاری اجتماعی (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۳۱)
زتومکا	افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش روابط صمیمانه، ارتقاء نظارت اجتماعی (زتومکا، ۱۳۸۴)
مدنی پور	کاهش جنایات، افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش امنیت اجتماعی (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۲)
بواندیا	کاهش بزه‌کاری، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش نظارت اجتماعی (Buendia, 1989)، (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۴۲)
گیلبرت و گاگلر	ارتقاء امنیت اجتماعی، کاهش جرائم، افزایش نظارت اجتماعی (Gilbert & Gugler, 1982)، (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۴۶)
گیدنز	افزایش کنترل اجتماعی، کاهش فساد اخلاقی، افزایش اعتماد اجتماعی (Giddens, 2006: 279)، (گیدنز، ۱۳۸۰: ۹۹)
نیومن	افزایش نظارت اجتماعی، کاهش جرم و جنایت (Newman, 1973)
جکسون	افزایش نظارت اجتماعی، ارتقاء امنیت اجتماعی، کاهش جرم (Jackson, 1986)
جیکوبز	ارتقاء امنیت اجتماعی، کاهش جرم و جنایت، افزایش نظارت و کنترل اجتماعی، افزایش اعتماد اجتماعی (جیکوبز، ۱۳۹۸: ۳۲-۲۹ و ۵۹-۵۸)

کلیدواژه‌ای که در محتوای پژوهش‌ها و نظریات فوق تکرار شده «آشنایی متقابل» است. فراتحلیل این نظریات و پژوهش‌ها نشان دهنده ارتباط مستقیم «آشنایی شهروندان» با تحقق کیفیات اجتماعی شهر و تعاملات شهروندی است. برهم‌نهاد نتیجه این پژوهش‌ها و نظرات گویای آن است که با کاهش سطح آشنایی شهروندان از یکدیگر که می‌تواند به دلایلی همچون بزرگ شدن و توسعه بی‌رویه شهرها، نوع ساختار کالبدی فضایی شهرها، نوع طراحی مجموعه‌های مسکونی و استراحتگاهی در فضاهای ساحلی اختصاصی اقدار و گروه‌های خاص (Kheyroddin & Hedayatifard, 2017)، مهاجرت‌های فزاینده به شهرها و کنارهم نشینی فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف و غیره باشد میزان تحقق کیفیات روابط اجتماعی و تعاملات شهروندی دستخوش تغییر و در بسیاری موارد دچار ضعف شده است. نتیجه آن که آشنایی متقابل شهروندان با یکدیگر زمینه و زیرساختی است جهت انسجام روابط اجتماعی، کاهش انزوای اجتماعی، ارتقاء سرمایه اجتماعی، ارتقاء اعتماد اجتماعی،

ارتقاء مشارکت اجتماعی، ارتقاء امنیت اجتماعی همگون شدن ارزش‌ها، کاهش فساد اخلاقی و مواردی دیگر از این دست.



نمودار شماره ۲: ارتباط و همپوندی آشنایی متقابل با تحقق کیفیات اجتماعی شهر و تعاملات شهروندی در نگاه اندیشمندان

جایگاه «تعارف» در آموزه‌های اسلامی و نقش آن در تحقق ارزش‌های رفتاری اسلامی

اسلام دینی اجتماعی است، برای جامعه سازی آمده و در تمام شئون خود به جامعه عنایت می‌کند و اساس آیین خود را جامعه قرار می‌دهد، نه فرد. از این منظر تکامل فرد نیز در پیوستگی با جامعه امکان‌پذیر است (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۲۵ و ۲۶). در آیات مختلف قرآن کریم بر خلقت اجتماعی انسان و ضرورت آن تأکید می‌شود، شهید مطهری با استناد به این آیات، چنین نتیجه می‌گیرد که زندگی اجتماعی انسان، امری طبیعی است، نه صرفاً قراردادی و انتخابی و نه اضطراری و تحمیلی، و به فعلیت رساندن استعدادهای مختلف انسان و به دست آوردن کمالات مطلوب، بدون پیوستن به اجتماع، مقدور نیست (مظفری، ۱۳۸۱: ۱۱۳). در نگاه اسلامی از آنجا که افراد

۱. رجوع شود به آیه ۱۳ سوره حجرات، آیه ۳۲ سوره زخرف، آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، آیه ۵۴ سوره فرقان و تفاسیر آنها.

دارای اراده‌ها، امیال، خواسته‌ها و اغراض متفاوت هستند و در بسیاری موارد ممکن است این اراده‌ها و خواسته‌ها با هم تداخل کنند و ایجاد تعارض نمایند و نیز در جهت جلوگیری از ستم‌گری افراد نسبت به یکدیگر و پایمال شدن حقوق، لازم است مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قوانین بر رفتار و تعامل اجتماعی ایشان حاکم باشد (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۸۳ و ۱۰۲؛ شرف‌الدین، ۱۳۹۷: ۷۸-۸۰). ارزش‌ها کانونی‌ترین عناصر موجود در شاکله فرهنگی یک جامعه‌اند که تقریباً کلیت یک فرهنگ و نظام اجتماعی را مستقیم و غیرمستقیم متأثر می‌سازند. ارزش‌ها را می‌توان مجموعه‌ای از آرمان‌ها، کمال مطلوب‌ها، ترجیح‌ها، بایسته‌ها، انتظارات، روش‌ها و شیوه‌های مقبول جهت نیل به هدف‌ها و غایت‌های مطلوب تلقی نمود (شرف‌الدین، ۱۳۹۷: ۲۶). عینی‌ترین تجلی ارزش‌ها در قالب رفتارها صورت می‌پذیرد، لذا ارزش‌ها معیارهایی مهم برای ارزیابی رفتارها تلقی می‌شوند و بر اساس آن‌ها تمایل به یک رفتار و ترجیح آن اتفاق می‌افتد. دین یکی از منابع اصلی و مهم و اعتبار بخش ارزش‌ها است و بالطبع این ارزش‌ها برای باورمندان و پیروان آن دین از اعتبار و ضمانت اجرای بیشتری برخوردار است (همان: ۲۷، ۳۹، ۹۱). دین اسلام نیز در راستای نیل به اهداف تکاملی و اجتماعی خود در تعاملات شهروندی و ارتباطات بین مردم، مجموعه‌ای از ارزش‌های رفتاری را وضع نموده و تأکید دارد که این ارزش‌ها باید مبنای رفتار اجتماعی مسلمانان باشند. مهم‌ترین ارزش‌های رفتاری مورد تأکید اسلام را می‌توان در قالب نمودار شماره ۳ برشمرد.



نمودار شماره ۳: مهم‌ترین ارزش‌های رفتاری اسلامی در ارتباطات اجتماعی و تعاملات شهروندی

(ایروانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۴؛ شرف‌الدین، ۱۳۹۷)

در نگاه اسلامی تحقق ارزش‌های رفتاری فوق نیازمند زمینه‌ای است که تدبیر در آموزه‌های اسلامی و آیات قرآن کریم در شناسایی آن راهگشا خواهد بود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا... ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید...» (سوره حجرات، آیه ۱۳). بر اساس این آیه شریفه یکی از دلایل مهمی که خداوند انسان‌ها را به صورت قبیله‌ها و گروه‌های مختلف و نه یکسان خلق نموده است، فراهم آوردن امکان شناخت برای انسان‌ها و تمیز از یکدیگر است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه تأکید دارند: در نگاه قرآنی انسان‌ها و جوامع ایشان به صورت شعبه‌ها و قبیله‌های مختلف قرار داده شدند برای اینکه یکدیگر را بشناسند و این شناخت سبب می‌گردد تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده نظام پذیرد، و ائتلاف در بینشان تمام گردد، چون اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف، لذا به این وسیله نظام اجتماع انسان‌ها کامل می‌گردد. اگر این شناخت وجود نداشته باشد رشته اجتماع از هم می‌گسلد، و انسانیت فانی می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۸: ۴۸۹-۴۸۸). محقق نشدن تعارف به معنای غفلت و بی‌توجهی به امکان پیوند معرفتی میان انسان‌ها است. این بی‌توجهی بی‌تردید منجر عداوت خواهد شد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۷). تعارف از عوامل مهم شکل‌گیری اجتماع انسانی و حفظ آن است و نبود آن به تعبیر مفسران آیه تعارف، به جدایی، ستیزه، برتری و برخورد (افتراق، تخصم، تفاضل و تعارض) مبدل می‌شود. تعارف مبنای همکاری (تعاون)، هم‌زیستی (تعایش) و هم‌پیمانی (ائتلاف) است (غمامی و اسلامی‌تنها، ۱۳۹۸: ۱۶۳). حضرت محمد(ص) در حدیثی می‌فرماید: «الأرواحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا ائْتَلَفَ، وَمَا تَنَافَرَ مِنْهَا اِخْتَلَفَ: ارواح لشکریانی فراهم آمده هستند؛ آن‌ها که یکدیگر را بشناسند با هم انس و الفت می‌گیرند و آنان که همدیگر را نشناسند از هم جدا می‌شوند» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۲۳، روایت ۲۴۷۴۱). تعارف یک فضیلت اخلاقی است که موجب «ائتلاف» بر مدار توحید و تکریم خواهد شد زیرا تفاوت‌های انسانی (اختلاف السننکم و الوانکم) آیات الهی هستند. علاوه بر این، تعارف هنگامی میسر می‌شود که کنشگران هویت تاریخی و جغرافیایی مشترک و مقدسی پیدا کنند گویی که با قرار گرفتن در این بستر زمانی و مکانی، به خانه خود بازگشته‌اند؛ نه ظلمی به آن‌ها می‌شود و نه به دیگران ظلم می‌کنند (غمامی و اسلامی‌تنها، ۱۳۹۸: ۱۸۸-۱۸۷). از مفاهیم

فوق و تفاسير و آموزه‌های اسلامي می‌توان اين گونه برداشت کرد که در نگاه اسلامي تعارف شهروندان زمينه‌ای مهم جهت اولاً ائتلاف و انسجام اعضای جامعه و ثانياً رفتار و تعامل ایشان بر اساس ارزش‌های اسلامي خواهد بود؛ به اين معنی که شدت و ضعف تعارف اعضای جامعه با یکدیگر بر چگونگی تحقق ارزش‌های رفتاري اسلامي تأثیر می‌گذارد و اين دو با یکدیگر رابطه همبستگی و دوسويه دارند.



نمودار شماره ۴: رابطه دوسويه تعارف و تحقق ارزش‌های رفتاري اسلامي از منظر آموزه‌های اسلامي

تطبيق و مقایسه مفهوم «آشنایی متقابل» در پژوهش‌های شهرسازی و جامعه‌شناسی با مفهوم «تعارف» در آموزه‌های اسلامي

مقایسه و تطبيق مفهوم «آشنایی متقابل» و «تعارف» نکاتی را هویدا می‌سازد. تأمل در واژه‌شناسی تعارف در ادبیات عرب همان‌گونه که در واژه‌شناسی نیز به آن اشاره شد و تفاسیر آیه تعارف در قرآن کریم، گویای آن است که تعارف مد نظر اسلام حائلی طرفینی و مشارکت‌جویانه دارد؛ یعنی شرایط باید به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند خود را به یکدیگر بر اساس ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی بشناسند و طرفین مبتنی بر آن یکدیگر را بازشناسند؛ مانند تعلق به فلان خانواده و یا اهل فلان طایفه بودن. یعنی آن‌که شناخت منحصر به سطح ابتدایی که مثلاً دو نفر چند بار دیدار

چهره به چهره و گذرا داشته باشند نیست، بلکه آشنایی در سطحی عمیق‌تر مورد توجه است، که این عمق‌بخشی به شناخت، زمینه‌های بعدی تعاملات اجتماعی و تعاون و ... را سبب می‌شود. اما در پژوهش‌های جامعه‌شناسی و شهرسازی سطح این آشنایی می‌تواند به همان سطوح ابتدایی و شناخت فردی بسنده شود و به لایه‌های بعدی شناخت مثل شناخت در بستر خانواده و غیره کشیده نشود. مثل وقتی که یک غریبه وارد محله‌ای می‌شود و پس از مدتی این فرد با ویژگی‌های اولیه و شخصی خود برای اهالی محله آشنا می‌شود. یا آشنایی موقتی که افراد به واسطه حضور موقت در یک مکان مشترک به دست می‌آورند و در سطح نام و ویژگی‌های شخصی باقی می‌ماند بدون این که افراد اعضای فامیل و خانواده یکدیگر را بشناسند.

فارغ از این نکته، به جهت کارکرد و هدف، مفهوم برآمده از دو منبع سوی مشترک دارند و آن ارتقاء کیفیت روابط اجتماعی و تحقق ارزش‌های رفتاری در تعاملات شهروندی است. با این توضیح به صورت کلی می‌توان «تعارف ~ آشنایی متقابل» را مفهوم مشترکی دانست که هم در آموزه‌های اسلامی و هم پژوهش‌های پژوهشگران حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی به عنوان عامل محوری در شکل‌گیری تعاملات شهروندی بر مبنای کیفیات و ارزش‌های اجتماعی عمل می‌نماید.

تأثیر برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی شهر و محیط بر کیفیت تعاملات شهروندی و تعارف اجتماعی

شهر متشکل از دو بعد مهم کالبدی و محتوایی دانسته می‌شود. بعد کالبدی شهر را ساختار فیزیکی و عینی آن تشکیل می‌دهد و محتوای شهر تمام آن روابطی است که در شهر جریان دارد، که از مهم‌ترین این روابط، روابط اجتماعی و تعاملات شهروندی است. بررسی پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که رابطه‌ای دوسویه بین رفتارهای اجتماعی و کالبد شهر برقرار است و لذا هماهنگی و تناسب میان این دو بعد از ضروریات است. هر نوع ناسازگاری میان آن‌ها مشکلات اجتماعی فراوانی به بار می‌آورد (اراکی، ۱۳۹۷: ۳۷). پژوهش‌های صورت گرفته در این باره نشان می‌دهد عامل و نقطه کلیدی که این ارتباط را برقرار می‌کند مفهومی است به نام «قابلیت محیط». واژه «قابلیت^۱» را روان‌شناسی به نام جیمز جی گیبسون^۱ مطرح کرد. قابلیت‌های هر چیزی چه

1. Affordance

مادی و چه غیر مادی بخشی از داشته‌های آن چیز است که آن را برای موجودی خاص یا عضوی از یک گونه موجودات قابل استفاده می‌سازد. داشته‌های مورد نظر گیسون پیکره بندی کالبدی یک شی یا یک مکان رفتاری است که آن را برای فعالیتی خاص قابل استفاده می‌سازد. قابلیت‌های یک محیط کالبدی چه خوب و چه بد چیزی است که آن محیط با ویژگی‌های پیکره‌بندی و مواد و مصالح سازنده خود پیشنهاد می‌کند (Gibson, 1979)؛ (لنگ، ۱۳۸۸: ۹۱). مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیط در یک موقعیت ویژه محیط بالقوه‌ای را برای رفتار انسان در آن مکان ایجاد می‌کند (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۱۷). به بیانی دیگر محیط به واسطه قابلیت‌های خود بر فرآیند رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. محیط ابتدا قابلیت‌های خود و هندسه و بارزه‌هایش را در معرض حواس انسان قرار می‌دهد که نتیجه آن درک انسان از محیط و «ادراک»^۲ است. در مرحله دوم، ذهن فرد بر اساس داده‌های محیطی، طرح واره‌های ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی از محیط تصویر می‌سازد و معنایی روی آن الصاق می‌کند این مرحله «شناخت» است. در مرحله بعد بر مبنای نیازها، نگرش‌ها و اولویت‌ها «ارزیابی» از محیط صورت می‌گیرد و در مرحله آخر بر مبنای ارزیابی به عمل آمده «رفتاری» توسط انسان انجام می‌شود (لنگ، ۱۳۸۸: ۹۵). پس رفتار انسان در محیط نتیجه انگیزش‌های فرد به قابلیت‌های محیط، طرح واره‌های ذهنی از محیط و معانی حاصل از آن است. حال آن‌چه که در برنامه‌ریزی و طراحی یک محیط باید مد نظر قرار گیرد تا امکان وقوع رفتاری خاص تقویت گردد، ایجاد یک «محیط مؤثر» است. محیط مؤثر شامل عناصری است که برای استفاده‌کننده یا مشاهده‌کننده یک محیط بالقوه با معناست و امکان بروز رفتاری متناسب با آن معنا را تسهیل می‌کند.

بنابراین تحقق کیفیات و ارزش‌های پیش‌گفته در تعاملات شهروندی و رفتارهای اجتماعی در گرو ایجاد محیط مؤثر است. محیطی که با قابلیت‌های خود آن کیفیات را به شکل معانی در ذهن مخاطب متبادر کند و سبب سوق رفتار شهروندان مبتنی بر آن ارزش‌ها گردد. پژوهش‌های مختلف صورت گرفته در مقیاس‌های مختلف از مقیاس شهر و محله تا چیدمان فضایی محیط این رابطه را بررسی و تأثیرات مختلف آن را تبیین نموده‌اند. برای مثال:

1. James J. Gibson
2. Perception

مطالعه لئون فستینگر^۱ و همکارانش در مجموعه مسکونی وست‌گیت به‌روشنی تأثیر طراحی محیط را بر تماس‌های اجتماعی مردم نشان می‌دهد. در مطالعه وست‌گیت فاصله کارکردی بین واحدهای مسکونی کوتاه بود. درهای واحدها به یکدیگر نزدیک بودند و اغلب از برخوردی رو در رو استقبال می‌شد. در ساختمان‌های دو طبقه، صندوق‌های پستی ساکنین طبقه بالا در مکانی مشترک در طبقه پایین در کنار ورودی مشترک آن‌ها قرار داشت. ساکنین طبقه بالا از ساکنین طبقه پایین که هر کدام دارای اتاق‌های با ورودی و صندوق پست مجزا بودند، تماس اجتماعی بیشتری داشتند (Festinger, Schacter, and Back, 1950).

همفری اُسموند^۲ از واحدهای اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز در طراحی فضاها استفاده می‌کند، این واحدها بیانگر فضایی است که مردم را دور هم جمع می‌آورند یا از هم دور می‌کنند (Osmond, 1966). نیمکت‌های پشت به پشت مثالی از سازماندهی اجتماع‌گریز هستند و غرفه‌های انتظار داروخانه‌های قدیمی مثالی از سازماندهی اجتماع‌پذیراند (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۸۲). در برخی از پژوهش‌ها بر این نکته تأکید شده که فضای باز خصوصی روابط همسایگی را رشد می‌دهد. مردم‌شناسی به نام آنتونی والاس^۳ معتقد است که در صورت نبودن حیاط‌های دارای خلوت در مناطق مسکونی، کنترل قلمرو خانوادگی و شکل‌گیری جامعه محلی با مشکل مواجه می‌شود. به اعتقاد او در مناطق مسکونی با خانه‌های تک خانواری نسبت به ساختمان‌های آپارتمانی تعامل بیشتری بین همسایگان وجود دارد (Wallace, 1952؛ لنگ، ۱۳۸۸: ۱۸۴).

در مطالعه‌ای که بر روی تجاری شدن جداره‌های شهری و تأثیر آن بر کیفیت فضایی محلات مسکونی صورت پذیرفته این نتیجه حاصل آمده که روند تغییر کاربری و تجاری شدن جداره‌های محله به واسطه بارگذاری فعالیت‌ها و عملکردهای فرامحلی در جداره خیابان، در کنار تأثیرات کوتاه مدت مثبت همچون بهبود دسترسی به تسهیلات و خدمات شهری، طیف وسیعی از اثرات و پیامدهای نامطلوب اجتماعی فرهنگی مانند تشدید ورود افراد غریبه و بیگانه به نواحی محلی، تشدید حضور افراد غیر بومی در محلات مسکونی، خدشه بر احساس هویت محلی، تشدید

1. Leon Festinger
2. Humphrey Osmond
3. Anthony F.C. Wallace

معضلات امنیتی و بزه‌کاری‌های اجتماعی، تشدید حضور پرسه زنان و بزه‌کاران در حریم خصوصی جوامع محلی، را در پی داشته است (Forouhar & Kheyroddin, 2016). در پژوهش دیگری که به بازتبيين الگوی مطلوب شهر ۲۴ ساعته از منظر آموزه‌های اسلامی و متناسب با سبک زندگی اسلامی پرداخته شده (Khorsand, Kheyroddin & Alalhesabi, 2021) به این مهم اشاره شده است که چگونه با برنامه‌ریزی و طراحی ۲۴ ساعته محدوده اطراف اماکن مقدس و زیارتی به عنوان یک الگوی متناسب با سبک زندگی اسلامی، امکان حضورپذیری و انسجام اجتماعی و تعامل و آشنایی افراد با یکدیگر افزایش می‌یابد (Khorsand, Alalhesabi & Kheyroddin, 2020). در پژوهشی دیگر که به موضوع تعادل بخشی بین حقوق مالکانه و منافع عمومی در اقدامات نوسازانه شهری پرداخته شده، رابطه این موضوع و روابط اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گرفته و به این نکته اشاره شده است که عدم رعایت تعادل و توازن در حقوق مالکانه شهروندان و انقطاع فضاهای شهری در پروژه‌های نوسازی تهدیدکننده تعاملات اجتماعی دیرینه در محلات شهری است (Kheyroddin, Kamyar & Dalaei Milan, 2017).

در مطالعه‌ای که به تبیین نقش مسجد در انسجام ساختار کالبدی فضایی پرداخته شده است، به خوبی تشریح شده که چگونه مسجد به عنوان یک قرارگاه رفتاری و عنصر کالبدی نمادین در شهرها و محلات دوران اسلامی، سبب انسجام اجتماعی و تحقق ارزش‌های رفتاری بوده و سپس با یک مقایسه تطبیقی بین چند مسجد در محلات مختلف امروزی، تفاوت‌های کارکردی، معنایی و اجتماعی حاصل آمده به واسطه تفاوت‌های کالبدی فضایی و سازماندهی مساجد را تبیین نموده است (Sarafraz, Kheyroddin & Alalhesabi, 2022).

جین جیکوبز در جهت ارتقاء امنیت در شهرها و افزایش آشنایی شهروندان با یکدیگر به چگونگی طراحی خیابان‌ها، پیاده‌روها و ساختمان‌ها می‌پردازد و ویژگی‌هایی را برای این امر ارائه می‌دهد. از دید او برای این که یک خیابان بتواند بر بیگانه‌ها چیره شود، می‌باید دارای سه ویژگی باشد: حد و مرز میان فضای خصوصی و همگانی آن معلوم باشد تا بتوان تفاوت میان غریبه‌ها و ساکنان را بازشناخت؛ جهت‌گیری ساختمان‌ها باید رو به خیابان باشد تا به اصطلاح صاحبان طبیعی خیابان به آن دید داشته باشند، آن‌ها چشمان خیابان‌اند زیرا صاحبان دیگر محله را می‌شناسند و به

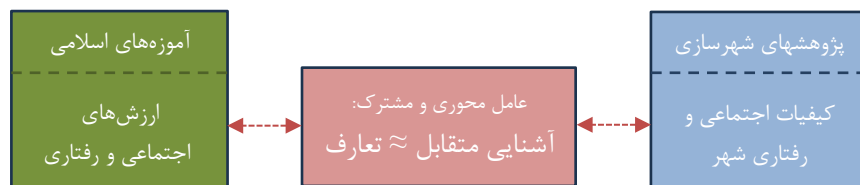
همین خاطر می‌توانند غریبه‌ها را از ساکنان تمیز دهند؛ پیاده‌روها باید سرزنده باشند، برای آن‌که بتوانند ساکنان بیشتری را به خود جلب کنند (جیکوبز، ۱۳۹۸: ۳۵)

با توجه به نتایج پژوهش‌های مورد اشاره که به خوبی رابطه بین طراحی و برنامه‌ریزی محیط مؤثر و کیفیت تعاملات و رفتارهای شهروندی را تبیین می‌کنند، از آن‌جا که عامل محوری در تحقق کیفیات روابط اجتماعی شهروندی تعارف دانسته شد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که برای تقویت قابلیت تعارف و از آن رهگذار تقویت تحقق ارزش‌ها و کیفیات رفتاری در تعاملات شهروندی، برنامه‌ریزی، ساماندهی و طراحی محیط به نحوی که قابلیت آشنایی متقابل را از خود بروز دهد و امکان تعارف بین شهروندان را فراهم کند بسیار مهم خواهد بود و لذا فراهم شدن امکان تعارف می‌تواند به عنوان یکی از اهداف طراحی محیط در شهرسازی لحاظ گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مشکلی که امروز شهرها به واسطه توسعه بی‌رویه، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی، الگوهای توسعه کالبدی فضایی، تداخل فرهنگ‌های اجتماعی مختلف و غیره در بعد اجتماعی با آن مواجه هستند ضعف در پیوستگی و ارتباط پایدار میان شهروندان است؛ ارتباط و پیوستگی که حیات و سرزندگی شهر وابسته به آن است و قوام هر جامعه‌ای را در پی دارد. بروز احساس انزوای اجتماعی، بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر، کاهش حمایت‌های مادی و معنوی و غیره تا حد زیادی پیامد چنین رخدادی است. آنچه که نتایج پژوهش‌های مختلف حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد بروز چنین حالتی وقتی تشدید می‌شود که شهروندان نسبت به یکدیگر غریبه و ناآشنا باشند. در چنین حالتی وابستگی‌ها نسبت به یکدیگر اندک خواهد شد، کنش‌ها نه از روی قرابت، آشنایی و احساس مشترک بلکه بر مبنای ایجاد حریم و حائل ناشی از ترس عدم شناخت و عدم اعتماد پی‌ریزی می‌شوند، افراد نسبت به یکدیگر حس الفت نخواهند داشت و تا حد ممکن نسبت به هم بی‌توجه خواهند شد. برای برون رفت از این رخداد لازم است زمینه‌های شناخت شهروندان از یکدیگر فراهم گردد و یا ارتقاء یابد. تطبیق این راهبرد یعنی ارتقاء امکان آشنایی متقابل در شهر در جهت بهبود کیفیت روابط و تعاملات شهروندی با آموزه‌های اسلامی نتیجه قابل توجهی را هویدا می‌سازد. اسلام که خود را دینی اجتماعی معرفی می‌کند و در جهت نیل به اهداف

استکمالی جامعه، حفظ وحدت اجتماعی و سامان بخشی به ارتباطات اجتماعی ارزش های رفتاری را ترسیم می نماید، تحقق این ارزش ها را در بستر مفهوم «تعارف» به معنای شناخت طرفینی بر مبنای ویژگی ها و نشانه ها و هم شناسی افراد جامعه بنا می کند. تحقق تعارف را عامل پیوند اجتماعی، همزیستی و همکاری و نبود آن را سبب ساز جدایی، ستیزه و تعارض می داند. لذا در نگاه اسلامی نیز راه حل برون رفت از بسیاری مشکلات موجود در تعاملات شهروندی تقویت قابلیت تعارف در شهرها است. با این توضیح که «تعارف» مد نظر در آموزه های اسلامی از سطح شناخت مشخصات فردی و اولیه فراتر رفته، افراد به صورت فعال عمل شناساندن خود به دیگری را پی می گیرند و شناخت در سطوح بالاتر از جمله آشنایی با خانواده و بستگان و غیره نیز لازمه تعارف و بستری برای تحقق کامل تر ارزش های رفتاری است. اما در نگاه پژوهش های شهرسازی و جامعه شناسی امر «آشنایی متقابل» می تواند به همان سطوح اولیه شناخت فردی و خروج از غریبه بودن، اکتفاء شود و لایه های بعدی شناخت الزاما پیگیری نشود. با وجود این نکته، هر دو مفهوم به صورت کلی در یک جهت کارکرد دارند و عاملی محوری در ارتقاء کیفیت روابط اجتماعی و تحقق ارزش های رفتاری در تعاملات شهروندی، فهم می شوند. لذا می توان این گونه برداشت نمود که مفهوم برآمده از پژوهش های علمی و مفهوم برآمده از منابع دینی یعنی قرآن و تفاسیر مربوطه، تا حد قابل توجهی و به صورت تعاضدی یکدیگر را تأیید و تکمیل می کنند.

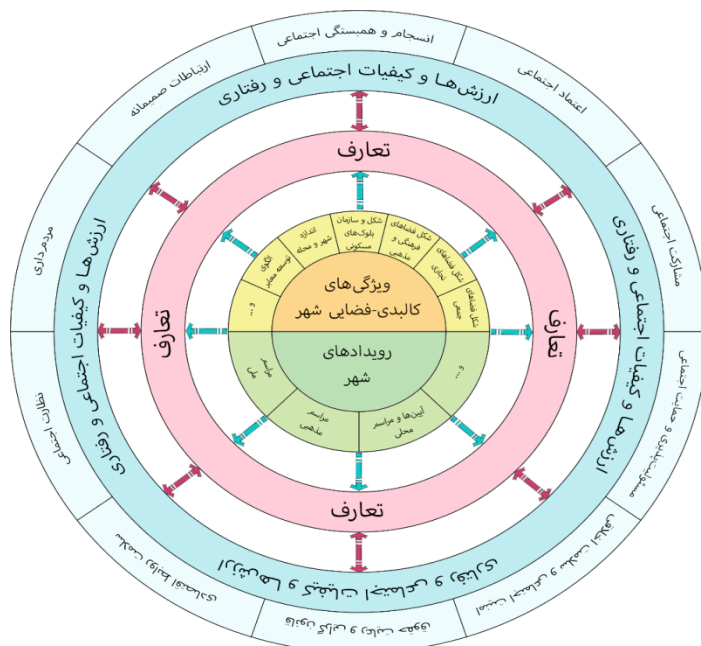


نمودار شماره ۵: «تعارف ~ آشنایی متقابل» عامل محوری تحقق کیفیات روابط اجتماعی شهروندی

از منظر پژوهشگران شهرسازی در تطبیق با آموزه های اسلامی

در پایان به عنوان پیشنهاد و فتح باب برای پژوهش های بعدی به راهکارهایی برای ارتقاء قابلیت تعارف در شهرها اشاره می شود. یکی از عواملی که در تحقق امکان تعارف می تواند مؤثر باشد محیط کالبدی فضایی شهرها است. از آنجایی که ویژگی های محیط کالبدی و بستر فضایی شهر با قابلیت های خود و فرصت هایی که فراهم می آورند، تأثیر تعیین کننده ای بر رفتار و نوع

تعامل شهروندان دارند، لازم است در طراحی و برنامه‌ریزی آن‌ها مناسباتی رعایت گردد که زمینه و امکان آشنایی متقابل افراد فراهم شود و غریبگی و ناآشنایی شهروندان نسبت به یکدیگر را به حداقل برساند. برای مثال الگوهای طراحی فضاهای جمعی، شکل فضاهای تجاری و فرهنگی و مذهبی، سازماندهی بلوک‌های مسکونی و حتی تعیین اندازه شهرها در این مسیر می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشند. مورد دیگری که به نظر می‌رسد می‌تواند بر ارتقاء قابلیت تعارف تأثیرگذار باشد رویدادهای ادواری و مناسبتی شهری و گردهم‌آیی شهروندان است. فراهم آوردن زمینه‌هایی جهت افزایش برخورد چهره به چهره شهروندان در این رویدادها با اهداف ملی مذهبی و یا سایر اهداف جمعی می‌تواند بستری برای آشنا شدن شهروندان با یکدیگر و در مرحله بعد ایجاد همکاری‌ها و مشارکت‌های مختلف بر مبنای اهداف مشترک را فراهم آورده و در نهایت انسجام تعاملات شهروندی را در پی داشته باشد.



نمودار شماره ۶: ارتقاء قابلیت تعارف در ویژگی‌های کالبدی-فضایی و رویدادهای شهر در جهت تحقق ارزش‌ها و کیفیات اجتماعی و رفتاری

فهرست منابع

- راکی، محسن (۱۳۹۷)، *فقه عمران شهری*، جلد اول، قم: مجمع الفکر اسلامی.
- ارسطو (۱۳۹۸)، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- افلاطون (۱۳۶۷)، *قوانین*، دوره آثار افلاطون، جلد ۴، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ایروانی، جواد و همکاران (۱۳۹۰)، *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*، دوره ۲ جلدی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات سلام.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و دررالکلم*، قم: دارالکتب الاسلامی.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، *مفاتیح الحیات*، قم: مرکز نشر اسراء.
- جیکوبز، جین (۱۳۹۸)، *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*، ترجمه دکتر حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جلیبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: نشر روزنه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: آرایه.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳)، *اندازه شهر*، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه فاطمه گلایی، تبریز: نشر ستوده.
- شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۷)، *ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم*، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۷)، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، چاپ پنجم، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غمامی، سید محمد علی و اسلامی تنها، اصغر (۱۳۹۸)، *هم‌شناسی فرهنگی الگوی قرآنی ارتباطات میان فرهنگی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران و قم: دارالقرآن کریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کرمونا، متیو و همکاران (۱۳۸۸)، *مکان‌های عمومی فضاهای شهری*، اداره انتشارات دانشگاه هنر.

- کلاتری، عبدالحسین و حسینی‌زاده آرانی، سید سعید (۱۳۹۴)، «شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان میزان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)»، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۸۷-۱۱۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *جهان رها شده*، ترجمه‌علی اصغر سعیدی و یوسف حاج عبدالوهاب، تهران: نشرعلم و ادب.
- لنگ، جان (۱۳۸۸)، *آفرینش نظریه معماری*، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مدنی‌پور، علی. ۱۳۸۷. *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی مکانی*، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- مظفری، سید محمد (۱۳۸۱)، «مدنیت بالطبع انسان از چشم‌انداز فلسفه»، *مجله الهیات و حقوق*، شماره ۳، ۱۱۶-۹۳.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۱)، «پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها»، *مجله مدرس علوم انسانی*، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۱۳.

- Buendia, Hernando Gomez (1989), **Urban crime: global trends and policies**, Tokyo: United Nations University.
- Carmona, M. Et al. (2003), **Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design**, Architectural Press.
- Festnger, Leon; S. Schacter, and Kurt Back (1950), **Social pressures in informal groups**, Stanford, Ca. : Stanford University Press.
- Forouhar, Amir; Kheyroddin, Reza (2016), "The impact of commercialization on the spatial quality of residential neighbourhoods: evidence from Nasr neighbourhood of Tehran", **Geographical Planning of Space**, Vol. 6, No. 20, pp. 63-84.
- Gibson, James J. (1979), **An Ecological approach to visual perception**, Boston: Houghton Mifflin.
- Giddens, Anthony (2006), **Sociology**, 5th Edition, Cambridge: Polity press.
- Gilbert, Alan; Gugler, Josef (1982), **Cities, poverty and development: Urbanization in the third world**, Oxford University Press.
- Goffman, Erving (1969), **The presentation of self in everyday life**, Harmondsworth: Penguin Press.
- Goffman, Erving (1971), **Relations in public: microstudies of the public order**, London: Allen Lane Press.
- Harvey, David (1993), **Social justice and the city**, Oxford: Blackwell Publishers.
- Hortulanus. R, Machielse. A., & Meeuwesen, L. (2006), **Social isolation in modern society**. Published in the Taylor & Francis e-Library.
- Jacobs, Jane (1961), **The death and life of great American cities**, New York: Vintage.
- Jackson, Pamela Irving (1986), "Black visibility, City Size and Social control", **the Sociological Quarterly**, Vol. 27, No. 2, pp.185-203.

- Kheyroddin, Reza; Hedayatifard, Maedeh (2017), "The production of exclusive spaces in coastal pre-urban areas: Causes and motivations: Middle shoreline of Caspian Sea in north of Iran", **Journal of Coastal Conservation**, Volume 21, Issue 3, pp. 333-341.
- Kheyroddin, Reza; Kamyar, Gholamreza; Dalaei Milan; Ebrahim (2017), "Balancing between property right and public interests in urban regeneration measures (from interests conflict to legal balance)", **Journal of Researches in Islamic Architecture**, Volume 4, Issue 4, pp. 22-39.
- Khorsand, Ramin; Kheyroddin, Reza; Alalhesabi, Mehran (2021), "City Nightlife from Islamic viewpoints: Inference of native pattern of 24-Hour city and city nightlife in accordance with the Islamic lifestyle", **Journal of Researches in Islamic Architecture**, Volume 8, Issue 4, pp. 13-36.
- Khorsand Ramin, Alalhesabi Mehran, Kheyroddin Reza (2020), "Redefining the concept of the 24-hour city and city nightlife for holy cities, with the use of Islamic instructions: A Case study of the holy city of Karbala", **IOP Conference Series: Materials Science and Engineering**, Vol.671, No.1, 012116.
- Newman, Oscar (1973), **Defensible space: People and design in the violent city**, London: Architectural Press.
- Osmond, Humphrey (1966), "Some psychiatric aspects of design", in **Laurence B. Holland, ed., Who designs America?** New York: Doubleday, pp. 281-318.
- Park, Robert E. (1925), **The city: Suggestions for The Investigation of Human Behavior in the Urban Environment**, in Robert E. Park, Ernest w. Burgess and Roderick D. Mckenzie, **The City**, Chicago: University of Chicago press, pp. 1-46.
- Sarafraz, Vahid; Kheyroddin, Reza; Alalhesabi, Mehran (2022), "Explaining the role of the mosque in the cohesion of the physical-spatial structure of the neighborhood", **Iranian Political Sociology Journal**, Vol. 5, Issue 1, pp. 139-177.
- Simmel, Georg (1969) **The metropolis and mental Life**, Translated from German by H.H. Gerth with the assistance of C. Wright Mills, (1950) in «Classic Essays on the Culture of Cities», edited by Richard Sennett, New york: Meredith Corporation.
- The Merriam-Webster dictionary** (1999), Published by G & C Merriam Co.
- Toennies, Ferdinand (1940), **Fundamental concepts of sociology**. Translated and supplemented by Charles F. Loomis. New York: American Book co.
- Wallace, Anthony F.C. (1952), **Housing and social structure**, Philadelphia Housing Authority.
- Writh, Louis (1938), "Urbanism as a way of life", **American Journal of Sociology**, Vol.44, No.1, pp. 1-24.

